

حسین عبده تبریزی در گفت‌وگوی اختصاصی با روزنامه ایران از بخش مالی به مثابه موتور توسعه گفت

چهار متهم حاشیه‌نشینی بورس در اقتصاد ایران

ادامه از صفحه اول

شاخص‌های کلان اقتصادی مانند نرخ ارز، نرخ بهره، و سیاست‌های تجاری، یکی از دلایل اصلی ضعف بازار سرمایه در ایران است؟ این شرایط چه تأثیری بر رفتار سرمایه‌گذاران و عمق بازار می‌گذارد؟

بله، صد درصد. بازار سرمایه اصولاً با نااطمینانی و بی‌ثباتی سازگار نیست. این بازار مثل یک درخت ظریف است، باید در خاک قابل پیش‌بینی کاشته شود، نور و آبش هم مرتب و منظم باشد تا رشد کند. ولی ما چه داریم؟ هر روز یک تصمیم جدید، یک بخشنامه جدید، یک شوک تازه. نرخ ارز یک روز بالا می‌رود، سود بانکی با دستور بالا و پایین می‌شود، بدون اینکه کسی بداند ششش چه منطقی است. قیمت حامل‌های انرژی، تعرفه‌های گرمی، سیاست‌های صادرات و واردات، همه‌اش در نوسان است.

در همچین فضایی، سرمایه‌گذار عملاً فلج می‌شود. نمی‌تواند برنامه‌ریزی کند، چون نمی‌داند یک پروژه که امروز می‌صرفد، ممکن است سه ماه دیگر زیان‌ده شود. این طوری دیگر کسی حاضر نیست پولش را بیازد در بازار سرمایه، چون آینده را تاریک می‌بیند. سرمایه‌گذار دنبال یک حداقلی از ثبات است؛ دنبال این است که بفهمد چه می‌تواند انتظار داشته باشد. ما حتی این حداقل را هم نمی‌دهیم.

وقتی این بی‌ثباتی با نبود شفافیت ترکیب شود، دیگر کار تمام است. شما از یک طرف نمی‌دانی مقررات فردا چیست، از طرف دیگر هم اطلاعات مالی شرکت‌ها کامل و دقیق نیست، نظارت هم یا نیست یا منفل عمل می‌کند. نتیجه چه می‌شود؟ یک بازار سطحی، پراز هیجان، بدون عمق و بدون سرمایه‌گذار بلندمدت. بازاری که با یک خبر بالا می‌رود، با یک شایعه می‌ریزد. این دیگر بازار سرمایه نیست، این بیشتر شبیه یک زمین بازی بی‌قانون است. خب در چنین

زمینی، توسعه در نمی‌آید. در چنین زمینی دستکاری بازار محتمل‌تر است. معدود آدم‌هایی را هم داریم که با گردن کلفتی سعی می‌کنند از آب گل آلود، ماهی بگیرند.

آیا دولت‌ها در ایران تا کنون به شکل ابزاری با بازار سرمایه برخورد کرده‌اند؟ به بیان دیگر، آیا بورس صرفاً ابزاری اهدافی چون تأمین کسری بودجه یا فروش دارایی‌های دولتی به کار گرفته شده است؟

این نگاه بین مردم و فعالان بازار سرمایه وجود دارد و دلایلش هم رفتارهایی است که در بعضی مقاطع از دولت‌ها دیدیم. معروف‌ترین نمونه‌اش سال ۱۳۹۹ بود. آن سال دولت آمد با فضا سازی، شاخص بورس را خیلی بالا برد، مردم را تشویق کرد بیایند در بازار و بعد بخشی از دارایی‌های خودش مثل صندوق‌های قابل معامله را به قیمت بالا فروخت. بعدش هم که بازار ریخت و مردم ماندند با ضرر و حس فریب خوردگی.

اما من فکر نمی‌کنم این کارها به شکل سیستماتیک و از روی یک برنامه‌ریزی دقیق انجام شده باشد. کاش اصلاً یک برنامه‌ای پشتش بود! بیشتر دولت‌ها ما معمولاً آنگذر با برنامه نیستند که بخواهند یک مسیر حساب‌شده را بروند و مثلاً تصمیم بگیرند بازار سرمایه را برای تأمین مالی هدفمند نه‌بندی کنند. بیشتر شبیه آن است که یک فرصتی دیده شده و به شکل فوری و کوتاه‌مدت از آن استفاده شده است. حالا بعضی وقت‌ها هم در تنگنای مالی گیر افتادند و گفتند بگذار از بورس یک پولی دربیآوریم.

اتفاقی که افتاده این است که دولت در ادوار مختلف هر وقت لازم داشته، آمده صندوق‌های خودش را فروخته، بعضی وقت‌ها هم سهام شرکت‌های بزرگ دولتی را آن‌هم بی‌توجه به اینکه آیا بازار ظرفیتش را دارد یا نه. از نگاه مردم و سرمایه‌گذار، این برداشت شکل گرفته که دولت‌ها دنبال

منافع خودشان هستند و از بازار فقط استفاده می‌کنند، نه حمایت و خب این باعث شده اعتماد عمومی به بازار ضربه بخورد.

پس بله، این تصور که دولت‌ها از بازار سوءاستفاده کرده‌اند وجود دارد و بی‌دلیل هم نیست. ولی من فکر نمی‌کنم این کارها از روی یک نقشه از پیش طراحی شده بوده باشد. بیشتر ناشی از بی‌برنامگی و فشار بوده است. متأسفانه دولت‌های ما معمولاً آنگذر گرفتار مسائل روزمره هستند که کمتر پیش می‌آید بتوانند یک استراتژی مشخص برای بازار سرمایه طراحی و اجرا کنند.

در حال حاضر، چه موانعی برای فرهنگی پرسرراه تقویت بازار سرمایه به عنوان یکی از ابزارهای اصلی توسعه اقتصادی در ایران وجود دارد؟ چرا این بازار هنوز نتوانسته جایگاه راهبردی خود را در ساختار تصمیم‌گیری و نظام اقتصادی کشور پیدا کند؟

مهم‌ترین مسأله این است که در ذهن خیلی از تصمیم‌گیرها، هنوز بازار سرمایه به عنوان یک نهاد توسعه‌ای و جدی جا نیفتاده. یعنی هنوز بعضی‌ها فکری می‌کنند بورس فقط جایی است برای خرید و فروش سهام، یک جور بازار دلالی، یا بدتر از آن، یک قمارخانه رسمی. نگاهشان به بورس، کوتاه‌مدت است و بیشتر مثل یک ابزار جانبی اصلی حکمرانی اقتصادی.

در حالی که در بیشتر دنیا، بازار سرمایه یک بخش جدانشدنی از ساختار اقتصاد مدرن است. به وسیله آن پروژه‌های بزرگ تأمین مالی می‌شوند، بازنشستگی مردم اداره می‌شود، ریسک‌ها مدیریت می‌شوند و شفافیت اقتصادی ایجاد می‌شود. خیلی از سیاست‌گذاران اقتصادی

در کشورهای پیشرفته بدون هماهنگی با نهادهای بازار سرمایه اصلاً سیاستی را اجرا نمی‌کنند. ولی اینجا ما هنوز در مرحله‌ای هستیم که برای بعضی‌ها، اسم بازار سرمایه مساوی شده با سفته‌بازی یا نوسان‌گیری. از طرف دیگر، مردم هم به‌طور کلی با بورس و مفاهیم مالی غریبه هستند. سواد مالی می‌کنند بازار سرمایه جایی است که در آن یک کسبه پولدار می‌شوند، یا برعکس، جایی است که دولت پرایشان دام پهن کرده. این نگاه وقتی با رفتارهای متناقض مسئولان و نبود آموزش مالی کافی ترکیب می‌شود، نتیجه‌اش بی‌اعتمادی و حضور غیرپایدار

تا وقتی این دو مانع یعنی نبود درک نهادی در سطح تصمیم‌سازی و ضعف فرهنگ عمومی نسبت به بورس برطرف نشوند، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم بازار سرمایه نقش جدی در توسعه کشور بازی کند. تا وقتی این دو مانع یعنی نبود درک نهادی در سطح تصمیم‌سازی و ضعف فرهنگ عمومی نسبت به بورس برطرف نشوند، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم بازار سرمایه نقش جدی در توسعه کشور بازی کند.

سؤال شما خیلی بجا و مهم است، ولی باید یک نکته کلیدی را در نظر گرفت؛ با توجه به تمام چالش‌هایی که اشاره شد، آیا هنوز می‌توان به ایفای نقش جدی بازار سرمایه در مسیر توسعه اقتصادی کشور امیدوار بود؟ در چه شرایطی این نقش فعال و مؤثر می‌شود؟

سؤال شما خیلی بجا و مهم است، ولی باید یک نکته کلیدی را در نظر گرفت؛

این سؤال در واقع مربوط به یک وضعیت عادی اقتصاد است. یعنی در شرایطی که سیستم مدیریتی کشور با ثبات باشد، سیاست‌گذاری قابل پیش‌بینی باشد و سیستم بانکی و مالی با یک منطق روشن اداره شود. ولی ما الان در آن وضعیت نیستیم. الان نه فقط سیاست اقتصادی که کل گفتمان مدیریتی نیاز به تغییر دارد. سیستم مدیریتی باید از نو تعریف شود و بازار سرمایه هم باید ذیل آن تعریف جدید و شفاف بازسازی شود. بازار سرمایه اگر بخواهد نقش جدی در توسعه بازی کند، باید اولاً از بند مداخلات بی‌حساب و بی‌منطق دولت‌ها و قدرت‌های فرادولت آزاد شود؛ دوماً باید در ذهن تصمیم‌گیرها و مردم از نو تعریف شود. بورس جایی برای سرمایه‌گذاری است، برای تأمین مالی پروژه‌های ملی، زیرساختی، علمی و تولیدی؛ نه میدان بازی یک عده آدم سودجو که می‌خواهند با خبرسازی و موج‌سواری مردم را بجانپند و اقتصاد را خراب‌تر کنند. تا وقتی این فضا پاک‌سازی نشود، نمی‌توان انتظار داشت بازار سرمایه موتور توسعه باشد. ولی اگر آن تغییر گفتمانی اتفاق بیفتد، آنوقت می‌شود به بازار سرمایه به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای تأمین مالی توسعه کشور امیدوار بود.

در پایان، به نظر شما چرا پرسی از وضعیت توسعه‌نیافتگی بازار سرمایه در ایران همچنان پرسشی زنده، مهم

و قابل طرح است؟ چه چیزی این مسأله را به یکی از گره‌های کلیدی اقتصاد ایران تبدیل کرده است؟ دقیقاً به خاطر همین شرایط خاصی که در آن قرار داریم، این سؤال امروز از همیشه مهم‌تر شده. در یک وضعیت عادی، ممکن است کسی بگوید این یک بحث تخصصی است، مربوط به تعادل بین بانک و بازار سرمایه است، یا به ساختار مالی شرکت‌ها ربط دارد. ولی الان دیگر بحث این چیزها نیست. اکنون در وضعیتی هستیم که بودجه دولت از رفق افتاده، سیستم بانکی ناکارآمد و بدهکار شده، پروژه‌های زیرساختی زمین مانده و مردم به‌شدت بی‌اعتماد شدند. اتفاقاً در این شرایط، نیاز به منابع مالی شفاف، بلندمدت و پاسخگو از همیشه جدی‌تر است.

اینجا باید بازار سرمایه دوباره تعریف شود. آن هم نه فقط به‌عنوان یک بازار سهام، بلکه به‌عنوان یک نهاد اصلی در توسعه کشور. باید جای بازی‌های آلوده معدودی سواستفاده‌چی را به سرمایه‌گذاری درست، پروژه‌محور و آینده‌دار بدهیم. این دیگر فقط بحث بورس نیست، بحث گفتمان اداره کشور است. تا آن تغییر گفتمانی اتفاق نیفتد، این بازار همین‌طور نیمه‌جان می‌ماند. ولی اگر آن تغییر شکل بگیرد، آنوقت بازار سرمایه می‌تواند نقش کلیدی در خروج کشور از بحران و حرکت به‌سمت توسعه بازی کند. پس نه تنها این سؤال کهنه نیست، بلکه شاید بشود گفت سؤال اصلی این روزهای اقتصاد است.

کسب‌وکار مانند هوش مصنوعی و بلاکچین، تغییر متغیرهای اصلی اقتصاد کشور، لزوم به‌کارگیری فن‌آوری‌های به‌روز و... تدوین برنامه جامع راهبردی برای بانک ضروری ارزیابی شد. وی افزود: این برنامه شامل طرح‌های عملیاتی، بازاریابی و مالی است که موجب تحول بانک در همه بخش‌ها تا اقی ۱۴۰۶ خواهد شد. برنامه جامع راهبردی بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، به‌عنوان یک سند زنده طراحی شده که قابلیت به‌روزرسانی و اصلاح براساس تغییرات محیطی و داخلی را دارد. بنابراین، پیشنهاد شده که بانک به‌صورت دوره‌ای عملکرد خود را در کمیته عالی راهبردی ارزیابی کند و در صورت لزوم، اصلاحات لازم را در برنامه اعمال کند.

مدیرعامل بانک قرض‌الحسنه مهر ایران با اشاره به پیشگامی این بانک در توسعه بانکداری قرض‌الحسنه و نوآوری‌های دیجیتال، چشم‌انداز آن را این طور توصیف کرد: بانک با ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه و گسترش خدمات بین‌المللی، تبدیل به معتبرترین بانک قرض‌الحسنه در منطقه خواهد شد و در راستای تحقق اقتصاد عدالت و پایدار گام برخواهد داشت. بانک قرض‌الحسنه مهر ایران در پی تحقق بانکداری قرض‌الحسنه در تراز انقلاب اسلامی و پرچم‌داری آن در اقی ۱۴۰۶ به‌منظور کمک به حکمرانی مطلوب قرض‌الحسنه کشور در کشور است تا با توسعه و تعمیق خدمات بانکداری قرض‌الحسنه، حمایت از توانمندسازی مالی افراد، تسهیل فرآیند دسترسی به منابع مالی عادلانه، و ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه، نقشی مؤثر در بهبود کیفیت زندگی جامعه ایفا کند.

تصویب صورت‌های مالی سال ۱۴۰۳
در این جلسه گزارش حسابرِس و بازرِس قانونی قرائت شد و صورت‌های مالی مربوط به سال مالی منتهی به ۳۰ اسفند ۱۴۰۳ به تصویب مجمع عمومی عادی سالیانه رسید.

همچنین روزنامه‌های اطلاعات و دنیای اقتصاد به‌عنوان روزنامه رسمی و سازمان حسابرِس به‌عنوان حسابرِس و بازرِس قانونی بانک برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۴ انتخاب شدند.

ارقام به میلیون ریال / درصد			
تغییرات (درصد)	۱۴۰۳	۱۴۰۲	شرح
مبلغ تسهیلات پرداختی	۳,۵۶۳,۸۴۶,۷۵۵	۲,۱۳۰,۳۱۹,۹۸۱	۶۷
تعداد تسهیلات پرداختی	۴,۷۶۴,۵۰۳	۳,۸۶۲,۴۴۱	۲۳
میانگین تسهیلات	۷۴۸	۵۵۲	۳۶



افزایش سرمایه و ارتقای کفایت سرمایه بانک
وی در رابطه با افزایش سرمایه بانک نیز گفت: سرمایه بانک در آخرین مرحله افزایش، به ۱۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. به همین علت کفایت سرمایه بانک نیز با ۸,۴۲ درصد، فراتر از استانداردهای تعیین شده است. مدیرعامل بانک قرض‌الحسنه مهر ایران تصریح کرد: بانک در سال گذشته بیش از ۹۵ هزار فقره تسهیلات تکلیفی همچون ازدواج، فرزندآوری و... پرداخت کرده است. ارزش تسهیلات تکلیفی که بانک پرداخت کرده به بیش از ۱۵ هزار و ۴۴۰ میلیارد تومان بالغ می‌شود. همچنین ۲۴ میلیارد تومان نیز در حوزه مسؤلیت اجتماعی هزینه کرده که حدود نیمی از آن مربوط به ساخت مدرسه در مناطق محروم بوده است. کمک به ایتمام، مؤسسات خیریه و آسیب‌دیدگان بلایای طبیعی نیز از دیگر اقدام‌های بانک در این بخش به‌شمار می‌رود.

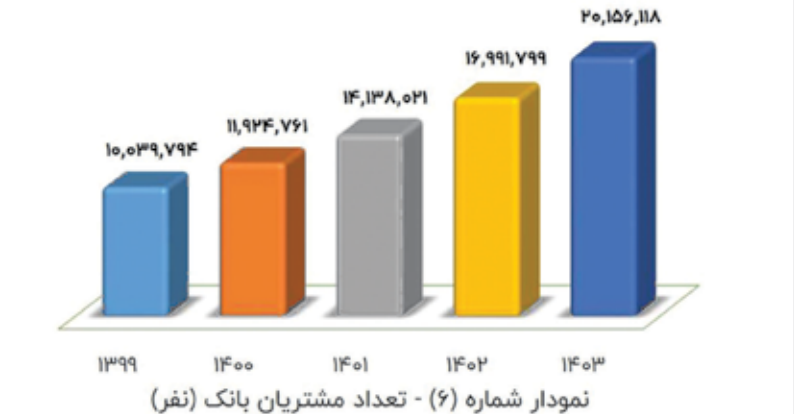
تدوین و رونمایی از سند برنامه جامع راهبردی در اقی ۱۴۰۶
فتحعلی در بخش دیگری از سخنان خود به سند برنامه جامع راهبردی پرداخت و گفت: با عنایت به مواردی همچون الزامات و قوانین بالادستی مانند برنامه هفتم توسعه، تغییر مدل‌های اصلی انجام شده است.

فتحعلی گفت: تعداد کارخان‌های بانک در سال گذشته به ۸۲۰ هزار دستگاه رسید و رتبه بانک در تعداد تراکنش‌های شاپرکی نیز با کسب حدود ۸ درصد کل تراکنش‌ها به جایگاه چهارم ارتقا یافت. همچنین ۹۱۹ دستگاه خودپرداز (ATM) و ۶۵۴ خودپرداز غیرنقدی (Cashless) در سراسر کشور از جمله ابزارهای بانک برای ارائه خدمت به شمار می‌روند.



۳ شعبه نیز در مناطق آزاد واقع شده‌اند. مدیرعامل بانک قرض‌الحسنه مهر ایران تصریح کرد: این بانک کمترین سرانه نفر به شعبه را در بین بانک‌های کشور را از آن خود نگاه دارد. به‌طوری که این شاخص در بانک به ۷ نفر می‌رسد. با این همه، با تلاش شبانه‌روزی همکارانم، متوسط منابع شعب از ۵۴۰ میلیارد تومان به ۸۴۶ میلیارد تومان در سال گذشته افزایش یافت. **بیشترین تعداد وام و کمترین مطالبات غیر جاری!** وی اظهار داشت: بانک قرض‌الحسنه مهر ایران با رشد ۲۳ درصدی در تعداد تسهیلات، بیش از ۴ میلیون و ۷۶۰ هزار فقره تسهیلات پرداخت کرد و برای سومین سال متوالی در صدر جدول شبکه بانکی از منظر این شاخص ایستاد. مجموع ارزش تسهیلات پرداختی ۳۵۶ هزار میلیارد تومان بود که در این شاخص نیز رشد ۶۷ درصدی مشاهده می‌شود.

فتحعلی افزود: میانگین تسهیلات پرداخت شده نیز از ۵۵ میلیون تومان به بیش از ۷۴ میلیون تومان در سال ۱۴۰۳ رسید. خوشبختانه



رشد چشمگیر خدمات غیرحضوری
فتحعلی جذب بیش از ۳ میلیون مشتری در سال ۱۴۰۳ را افتخار دیگری برای بانک